

## در برابر باد

تلاش برای رسیدن به صلح و توسعه پایدار در ایران و جهان

againstwind.wordpress.com

### نژادپرستی پنهان در ایران! مراقب باشیم

می 17، 2007

فکر نمی‌کنم هیچ انسان صلح دوست و شریفی پیدا شود که در نفی تفکر و کنش نژادپرستانه تردیدی از خود نشان دهد. موضوعاتی مانند نژادپرستی و خطرات هولناک آن برای جامعه بشری کاملاً شناخته شده هستند و مسبب جنایت‌های هولناکی در طول تاریخ بشریت بوده‌اند. در جامعه ایرانی و بسیاری از جوامع شرقی دیگر، نژادپرستی به آن گونه‌ای که در غرب شاهد هستیم (بودیم) وجود ندارد. دست کم در جوامعی مانند ایران، کمتر شاهد نژادپرستی سیستماتیک که مورد تایید فرهنگ و قدرت رسمی باشد بوده ایم، و اگر هم نمونه‌هایی وجود داشته (مانند تراژدی ارمنه در ترکیه عثمانی) در این گفتار به آن نمی‌پردازم.

در اینجا می‌خواهم درباره پدیده نژادپرستی پنهان یا غیرمستقیم بگویم که در جوامعی مانند ایران بیشتر به چشم می‌خورد و در واقع خطر اصلی نژادپرستی در ایران می‌باشد. نژادپرستی پنهان، به‌آنگونه تفکر یا رفتار نژادپرستانه می‌گوییم که شخص (فاعل) بدون اینکه خود بداند مرتکب فکر یا کنش نژادپرستانه می‌شود علی‌رغم اینکه حتی ممکن است شدیداً مخالف نژادپرستی باشد.

اغلب ما خود را نژادپرست نمی‌دانیم. این کلمه اصولاً در فرهنگ ما (و اغلب فرهنگ‌های دیگر) به شدت نکوهیده و منفی است. اما باید توجه داشت که موضوع اصلی عنوان‌ها یا واژه‌ها نیستند بلکه باید دید واقعیت اندیشه و عمل ما چگونه است. نژادپرستی پنهان بی‌آنکه بخواهیم یا بدانیم روی موضع‌گیری‌ها و تحلیل‌هایمان درباره محیط پیرامون تاثیر می‌گذارد و در سطح اجتماعی نیز می‌تواند پناسیل ایجاد نتایج فاجعه‌آمیز را داشته باشد.

من به عنوان یک ایرانی، اگر چه به ندرت صورت‌های مستقیم نژادپرستی را در میان جامعه ایرانی مشاهده کرده‌ام، اما به کرات و تقریباً به صورت بسیار گسترده‌ای شاهد انواع نژادپرستی‌های پنهان یا غیرمستقیم بوده‌ام. متأسفانه باید این حقیقت را پذیرفت که اختلافات زبانی - فرهنگی - مذهبی - قومی از سوی برخی از ما ایرانیان به عنوان پدیده‌هایی طبیعی و انسانی تلقی نمی‌شود و بعضاً با تحقیر، دوری جویی یا بی‌اعتنایی همراه است.

و اما چند مثال از تجربه‌های شخصی خودم در مورد برخی نمونه‌های نژادپرستی پنهان در ایران:

**1. گروه‌های غیرمسلمان در ایران:** یادم هست از روزهای دانشجویی که نزدیک دانشکده فنی دانشگاه تهران در امیرآباد شمالی، یک ساندویچ فروشی ارمنی بود (هنوز هم هست) به اسم مارتین. خیلی از دانشجویها و دوستان روزهایی که از غذای سلف سرویس دانشگاه خوششان نمی‌آمد از مارتین غذا می‌گرفتند. پس از مدتی متوجه شدم بعضی از دوستان دانشجو از خوردن غذاهای مارتین پرهیز می‌کنند و بعد که بیشتر بررسی کردم علت آن را در مسائل مذهبی یافتیم. این دوستان اعتقاد داشتند که نباید غذایی را که دست نامسلمان به آن خورده تناول کرد. (فکر می‌کنم همه می‌دانند من مورد چه چیز صحبت می‌کنم.)

حتی اختلافات و تعصبات میان اقلیت‌های مذهبی مسلمان هم قابل توجه است. یکی از دوستان صمیمی اینجانب که مسلمان شیعه است برای اینکه بتواند با دختری که دوست داشت ازدواج کند حدود حدود شش سال با خانواده و بستگان دور و نزدیکش مبارزه کرد، چرا که دختر از یک خانواده مسلمان سنی بود. این موضوع در شهر تهران و از یک خانواده تحصیل کرده اتفاق افتاد. نمونه‌های حادثه‌تر این نوع تعصبات در نقاط کمتر توسعه یافته ایران نیز به چشم می‌خورد.

**2. اختلافات زبانی - قومی در مناطقی که زیستگاه چند فرهنگ مختلف است:** در منطقه خوزستان مردمانی از فرهنگ‌های عرب - بختیاری و قشقایی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. تفاوت‌های زبانی و فرهنگی مسلماً طبیعی است و کسی در آن شکی ندارد. اما برخورد تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیزی که از سوی اعضای یک گروه زبانی نسبت به گروه دیگر می‌شود پدیده‌ای است که به

## در برابر باد

تلاش برای رسیدن به صلح و توسعه پایدار در ایران و جهان

againstwind.wordpress.com

نظر من از مصادیق نژادپرستی پنهان در خوزستان می باشد. برخی از دوستان فارس زبان خوزستانی عملاً نسبت به عرب های خوزستان موضع گیری کاملاً نژادپرستانه دارند. یک بار با یکی از همین دوستان در مورد مسائل عراق صحبت می کردم و بحث به بمب گذاری ها و ناآرامی های شدید عراق رسید. پاسخی که شنیدم حیرت انگیز بود. وی گفت عراقی ها هم عرب هستند و من عرب ها را خوب می شناسم، آنها اصولاً حرف حساب سرشان نمی شود و...

نمونه این گونه طرز تفکرها در سایر منطقه هایی که گروهایی با فرهنگ یا زبان مختلف در کنار هم زندگی می کنند نیز وجود دارد. نمونه فارس-عرب در خوزستان شاید یکی از بارزترین آنها باشد.

**3. گروه های مهاجر که از نظر فرهنگی و زبانی متفاوت هستند:** در تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ فارسی زبان، نگاه به اعتقاد من تحقیرآمیزی نسبت به ایرانیان آذری وجود دارد. تعداد لطیفه یا جوک هایی که در آن هوش و فرهنگ آذری مورد تحقیر واقع می شود شاید بزرگترین سهم را در میان فرهنگ طنز عامه ایرانی داشته باشد. همچنین من شخصا شاهد برخوردهای تبعیض آمیز و تحقیرکننده نسبت به مهاجرین افغانی در ایران بوده ام، که خواه ناخواه باید بپذیریم نمونه ای از نژادپرستی پنهان می باشد.

**4. سنت ها و رسوبات فرهنگی:** برخی از ریشه های نژادپرستی پنهان را باید در لابه لای سنت ها و میراثی گذشتگانمان جستجو کنیم. به عنوان مثال با وجودیکه به صورت تاریخی و جغرافیایی در منطقه ایران زمین سیاه پوست نداریم، در فرهنگ ما آدمهای با پوست سفید دارای مزیت می باشند و این موضوع بعضاً در بحث های مربوط به انتخاب همسر خودش را نشان می دهد. بسیاری از خانواده ها هنوز اشخاص با پوست روشن را در برابر اشخاصی که پوست سبزه یا تیره تر دارند دارای مزیت ویژه می دانند. (من شخصا بارها به صورت جسته و گریخته در معابر عمومی و با در محفل های دوستانه اشاره هایی به این موضوع را شنیده ام).

اگر به این موضوع اعتقاد داریم که نژادپرستی پدیده ای خطرناک و نکوهیده است، باید مراقب انتشار و گسترش آن حتی در زوایای پنهان فرهنگی و شکل های غیر مستقیم آن نیز باشیم. به اعتقاد من صورت های پنهان و غیر مستقیم نژادپرستی هم به همان اندازه اشکال بارز و مستقیم آن خطرناک هستند. خطر نژادپرستی پنهان این است که مانند یک بیماری پنهان در درون جامعه رشد می کند و به تدریج فضای صلح و همبستگی اجتماعی را به سوی تنش و بحران های درازمدت اجتماعی سوق می دهد. فراموش نکنیم در صورت بروز بحران های اجتماعی - که در تاریخ ایران نیز کم نبوده و احتمالاً نخواهند بود - وجود زمینه های نژادپرستی می تواند زمینه ساز خشونت های هولناک بین فرقه ای در ایران گردد.